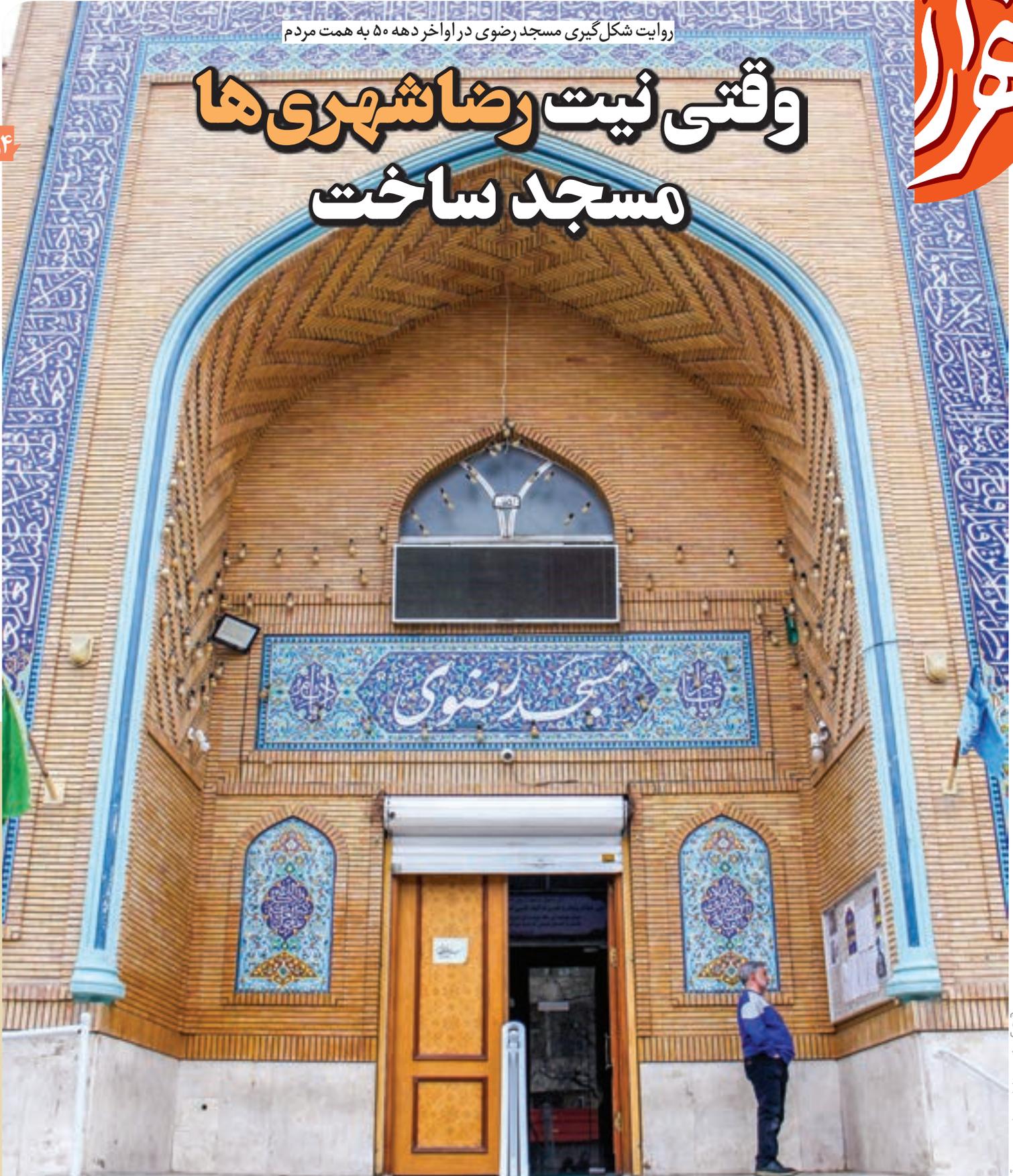


روایت شکل‌گیری مسجد رضوی در اواخر دهه ۵۰ به همت مردم

وقتی نیت رضا شهری‌ها مسجد ساخت



۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

ملیکا عبداللہی و مادرش
تاکنون ۳ کتاب درباره جشن‌های ایرانی
برای کودکان منتشر کرده‌اند

**فرهنگ قدیم
در دامن نسل جدید**

۶



اهالی معبر شهید دکتر طهرانی‌چی ۷
درخواست گل‌آرایی و فضاآرایی
میدان نزدیک محل سکونتشان را دارند
قصه فضای سبزی که تنها ماند

۳

پسران مدرسه مفاخر برای عید نوروز
گل قلمه می‌زنند
سین سبزه با بچه‌هاست

۷



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان را در پیام رسان ایتا به شماره ۰۸۵۹۶۴۰۸۵ ارسال کنید.

۹



حلقه های معرفتی رویشی ها

حدود سی نفر از نوجوانان محله رضاشهر، ماه رمضان را با یک اردوی زیارتی به حرم رضوی آغاز کردند. آن ها از طریق کانون رویش، به این اردو رفتند و خودشان همراه مربی ها به مناجات خوانی مشغول شدند. قرار است طی روزهای آینده هم نشست های همراه با جشن و بازی داشته باشند. در این برنامه برای آن ها حلقه معرفتی برپا می شود. سپس بازی های گروهی، لبخند را بر لبان روزه دارشان می نشاند. تعدادی از این نوجوانان، در اعتکاف مسجد پیغمبر اکرم (ص) با این مسجد و کانون آشنا شده و به آن پیوسته اند.



فرصتی برای خودسازی

فهیمة شهری ماه مبارک رمضان، فرصت خودسازی را برای اهالی محله زکریا فراهم کرده است. هیئت امنای مسجد حضرت زهرا (س) در دلاوران ۶ تصمیم گرفتند حجت الاسلام قاسم سوری، مشاور خانواده را برای سخنرانی به این مسجد دعوت کنند. موضوع صحبت ها هم درباره خودسازی است تا از این ماه به عنوان فرصتی برای تغییر استفاده شود. این جلسات در شب های ماه رمضان برقرار است و ضبط شده آن هر روز از صدا و سیما خراسان رضوی پخش می شود. در این جلسات درباره موضوعاتی همچون نوع تفکر، کنترل خشم، صبر با بصیرت، غم، شبهه های ذهنی و... به صورت پرسش و پاسخ گفت و گو می شود. قرار است بعد از اتمام ماه مبارک، محتوای جلسات به صورت کتاب نوشتاری یا صوتی تدوین شود.

گلی برای نانوا

مرتضی محمد دوست نانوای محبوب محله نیرو هوایی است و به واسطه اونان اهالی خیابان «نورده بهمن ۸»، در تنور گرم است. برخلاف بسیاری از محلات، مردم این محل همه چوره از نانی که آقامرتضی دستشان می دهد، راضی هستند. حالا با آغاز ماه رمضان، اهالی که می دانند آقامرتضی با دهان روزه پای تنور می ایستد و نان با کیفیت دولتی به آن ها می دهد، بایک گلدان، به نانوائی اش رفتند تا بدین طریق هم خداقوتی به او گفته باشند و هم نشان دهند که قدردانش هستند. قبل از او هم پدر مرحومش این نانوائی را همین طور اداره می کرده است و حالا نانی که آقامرتضی دست مردم می دهد، یک خدا بیامری هم برای پدرش می فرستند.



جشن و جایزه برای روزه اولی ها

کارگروه فرهنگی مسجد سیدالشهدا (ع) در حال برنامه ریزی برای روزه اولی های محله سرفرازان است. این اولین بار است که در این مسجد برای روزه اولی ها برنامه برگزار می شود. با اینکه هر شب یک افطاری ساده برای نمازگزاران تدارک دیده می شود، آن ها در حال برنامه ریزی برای دادن یک افطاری ویژه و جایزه به روزه اولی ها هستند. همچنین هر شب در جلسات قرآن مسجد، به کودکان و نوجوانان جوایزی داده می شود. هزینه این مراسم و جوایز با کمک خود اهالی تأمین می شود. این جلسات در ایام سال هر هفته سه شنبه ها برگزار می شود اما در ماه مبارک رمضان هر شب دایر است.



ریاحی ا شهردار منطقه ۹ مشهد از احیا و مرمت قنات تاریخی باغ وکیل آباد در روزهای پایانی امسال خبر داد. سعید حسینیقلی زاده مقدم در این باره به شهرآورد محله گفت: نیروهای اجرایی باغ وکیل آباد در اقدامی جهادی و بدون هیچ هزینه ای، طی تنها یک ماه، پروژه بازسازی، مرمت و زیباسازی مظهر اصلی قنات وکیل آباد را با موفقیت به پایان رساندند.



شهردار منطقه ۹ مشهد از احیا و مرمت قنات تاریخی باغ وکیل آباد خبر داد

تعهد به میراث تاریخی

او بیان کرد: این فضای تاریخی که در سال های گذشته به دلیل تخریب، انباشت کنده های درختان قدیمی و فرسودگی بیش از حد، نازیبا شده بود، حالا با تغییرات اساسی جان تازه ای گرفته است. به گفته حسینیقلی زاده مقدم، جمع آوری کامل موانع و کنده های درختان، دیوارسازی اصولی و محکم، ساخت کف پوش و جوی های خروجی با سنگ کالار مرغوب به مساحت ۱۵۰ مترمربع از جمله اقدامات نیروهای اجرایی این باغ بوده است. شهردار منطقه ۹ افزود: بخش شاخص این کار در مرحله نهایی پروژه، نورپردازی حرفه ای و زیبای قنات است که به زودی اجرا خواهد شد و شب های باغ وکیل آباد با نورهای دل نشین و جذاب، خاطره سازتر می شود. حسینیقلی زاده مقدم در پایان تأکید کرد: تعهد واقعی به حفظ میراث تاریخی، محیط زیست و سرسبزی باغ وکیل آباد در روزهای پایانی سال در دستور کار شهرداری منطقه ۹ قرار گرفته است.

به خط شدن بانوان والیبالست در ماه رمضان

مراسم قرعه کشی مسابقات والیبال بانوان «پنجمین المپیاد ورزشی رمضان مشهد» با حضور نمایندگان ۳۹ تیم، در فرهنگ سرای رسانه برگزار شد. در این آیین، برنامه زمان بندی و نحوه برگزاری رقابت ها تشریح شد و تیم ها حریفان خود را شناختند. این دوره از مسابقات از روز یکشنبه ۳ اسفند در مجموعه ورزشی شهید صیاد شیرازی آغاز خواهد شد و تیم های شرکت کننده در فضایی رقابتی به مصاف یکدیگر می روند.

توجه به سلامت بالای ۶۰ ساله ها

طرح «نسیم سلامت» از سوی شهرداری در ۲۸ مسجد سطح منطقه ۹ با هدف ارتقای سلامت جسمانی سالمندان بالای شصت سال در حال برگزاری است. در این طرح با ارزیابی وضعیت فرد سالمند، کلاس های اصلاحی و مشاور تغذیه ای در دستور کار قرار می گیرد و ارتباط با سالمند به صورت مستمر ادامه خواهد داشت.

روشی به صرفه برای سبزتر شدن باغ وکیل آباد

امسال حدود هزار اصله نهال در باغ وکیل آباد کاشته شده است. این نهال ها از میان گونه های غالب این مکان مانند چنار، توت، افرا، زبان گنجشک و نارون انتخاب و عمدتاً از سوی پرسنل اجرایی مجموعه تکثیر و در محل های مورد نیاز کاشته شده است. از جمله مزایای انتخاب، تکثیر و کاشت این گونه ها، علاوه بر صرفه جویی کامل در هزینه های خرید و حمل گونه، حفظ بافت فضای سبز موجود با درختانی است که در محیط باغ سازی دارند.



۹



اهالی معبر شهید دکتر طهرانچی ۷
درخواست گل آرایشی و فضای سبز
میدان نزدیک محل سکونتشان را دارند

قصه فضای سبزی که تنها ماند

رضاریاحی میدان کوچک داخل کوچه شهید دکتر طهرانچی ۷ داستان جالبی دارد. ۲۵ سال پیش، اهالی دور هم جمع شدند و با هماهنگی شهرداری، میدان کوچکی در کوچه شان درست کردند تا هم خودروها راحت تر در این معبر دور بزنند و هم خطر تصادف کاهش پیدا کند. این میدان ظاهر نازیبايي داشت تا اینکه چهار سال پیش، شهرداری به درخواست اهالی محله شاهد پاسخ مثبت داد و دستی به سر و شکل آن کشید؛ چند بوته گل و چندین درخت و درختچه، سهم این میدان از فضای آرایشی شهرداری در آن سال شد.

حالا بعد از گذشت این مدت و به دلیل رسیدگی نکردن، همان چند درختچه هم رو به خشکی است و اهالی بیشتر زباله های خود را در این میدان می گذارند که ظاهری نازیبا به کوچه شان داده است. آن هادرخواست دارند در این روزهای نزدیک به نوروز، شهرداری دستی به سر و روی این میدان بکشد و فضای سبز آن را با گل ها و گیاهان زیبا احیا کند.



هم قدم

بی تفاوتی ما و شهرداری

چند روز پیش، محبوبه کریمی پور، از ساکنان قدیمی کوچه شهید دکتر طهرانچی ۷، با شهرآرامحله تماس گرفت و از میدان داخل کوچه شان گفت که حالا به محلی برای دیوی زباله تبدیل شده است. او کسی است که از همان روز نخست، شاهد شکل گیری این میدان بوده و تغییراتش را به چشم دیده است. محبوبه خانم بانگاهی از سر تا سف به حال و روز فضای سبز این مکان و مشکل ظاهری آن می گوید: پیش از نوروز ۱۴۰۰ و بعد از درخواست های مکرر اهالی، بالاخره شهرداری پای کار آمد و چندین درخت و درختچه در این میدان کاشت. همه خوشحال بودیم و فکر می کردیم میدان از این به بعد سبز خواهد ماند، اما نگهداری این فضای سبز آن طور که باید پیش نرفت.

او ادامه می دهد: راستش را بخواهید ما اهالی نیز کوتاهی کردیم، هم در مراقبت از گیاهان و هم در تذکر دادن به دیگران. از طرف دیگر شهرداری هم به نگهداری و آبیاری این فضای سبز رغبتی نشان نداد. نتیجه اش هم این شد که فضای سبز کوچه ما کم خشک شد و حالا فقط یکی دو درختچه باقی مانده است که آن ها هم نزدیک به خشک شدن هستند. کریمی پور بانا را حتی توضیح می دهد: وقتی یک فضای سبز به حال خودش رها می شود، طبیعی است که بعضی ها زباله هایشان را آنجا می گذارند تا جلو خانه شان تمیز بماند.

زباله ها توی ذوق می زند

شاخه درختان، زباله و نخاله تنها چیزهایی است که در میدان داخل

معبر شهید دکتر طهرانچی ۷ خود نمایی می کند. حسین زیبا که او هم از قدیمی های این کوچه است، به ما می گوید: نزدیک خانه ما بوستان محلی وجود دارد، اما اگر دستی به سر و روی همین فضای سبز هم بکشند، من و رفقاییم اینجا دور هم می نشینیم و گپ می زنیم. در گذشته نیز همین طور بود. حالا زباله ها توی ذوق می زند. من برای این موضوع، چند بار به شهرداری مراجعه کردم؛ آن هادر جواب درخواست من می گویند آبیاری فضای سبز معابر فرعی با شهرداری نیست.

زیبا می گوید برخی میادین مانند نهضت و یوسفیه به روشنایی، نشیمن، درختان و بوته های گل آراسته شده و به پاتوقی برای اهالی بدل شده است.

گل آرایشی از ما، آبیاری با شما

درباره میدان کوچه شهید دکتر طهرانچی ۷ با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ گفت و گو می کنیم. سعید میرسعیدی در این باره می گوید: احیای فضای سبز و گل آرایشی میادین و معابر از وظایف شهرداری منطقه ۱۰ است که به ویژه در روزهای نزدیک به نوروز با جدیت در حال انجام است.

او ادامه می دهد: اهالی معبر شهید دکتر طهرانچی ۷ می توانند نامه درخواستی که همسایه هان را امضا کرده باشند به شهرداری بیاورند. با استناد به آن درخواست، شهرداری برای گل آرایشی و احیای فضای سبز میدان اقدام می کند، البته مشروط بر اینکه خود اهالی آبیاری این فضای سبز را بر عهده بگیرند.

پررنگ شدن منطقه مادر آستانه بهار

به منظور بهبود سیمای منظر شهری، ۲۶۸ هزار و ۸۹ متر طول از جداول منطقه ۱۰ در حال رنگ آمیزی است. رنگ آمیزی و شست و شوی ۶۴۲ کاس زباله و ۲۲ خودرو حمل پسماند و شست و شو و رنگ آمیزی ۷ هزار و ۸۵۵ پایه تابلو ترافیکی و معابر شهری از دیگر فعالیت های اداره خدمات شهری منطقه مادر طرح استقبال از بهار است.

قاسم آباد گل باران می شود

در راستای ارتقای زیبایی معابر و طراوت بخشی به فضاهای شهری، با فرا رسیدن بهار ۱۴۰۵، عملیات بستر سازی کاشت گل های فصلی مطابق با طرح های مصوب گل کاری در منطقه ۱۰ در حال اجراست. پروژه فوق در این منطقه به مترانه ۱۰ هزار و ۴۰۰ متر مربع انجام می شود که بستر لازم برای کاشت یک میلیون و ۳۴۰ هزار بوته گل فصلی را فراهم خواهد کرد.

نقش های بهاری بردیوار

در آستانه استقبال از بهار ۱۴۰۵ طرح ها و نقش های زیبایی به دست هنرمندان بردیوارهای منطقه ۱۰ نقش بسته است. در این طرح، بیش از ۷ هزار متر مربع از دیوارهای محلات منطقه ما با اعتباری بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال زیباسازی خواهد شد. این نقاشی دیواری شامل دیوارهای مدارس، بوستان ها و معابر عمومی هستند و اجرای طرح از ۲۵ بهمن آغاز شده است و تا ۲۵ اسفند ادامه دارد.



شهر خبر



ریاحی شهردار منطقه ۱۰ مشهد از اجرای مجموعه ای از پروژه های عمرانی، ترافیکی و خدمات شهری در محور بزرگراه پیامبر اعظم (ص) خبر داد و گفت: این طرح با هدف افزایش ایمنی، سامان دهی تردد و کاهش خطرات سیلاب اجرا شده و بیش از ۱۰۵ میلیارد تومان هزینه در برداشته است. و حیدر جسته نژاد در این باره بیان کرد: بزرگراه پیامبر اعظم (ص) یکی از معابر پر تردد شهر مشهد است و روزانه بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار خودرو در آن تردد می کنند؛ موضوعی که ضرورت سامان دهی این محور را دوچندان کرده است.

او با اشاره به مشخصات فنی این مسیر افزود: پوسته مصوب بزرگراه صد متر عرض دارد و شامل باندهای تندرو، کندروها، آیلند میانی، فضای سبز جداکننده و پیاده روی های طرفین است. طول مسیر از میدان قائم (ع) تا سه راه فردوسی حدود ۱۲.۲ کیلومتر است که بخشی از آن در محدوده خدمات شهری قرار دارد. به گفته شهردار منطقه ۱۰ در قالب این طرح، با اجرای پل بتنی در محل اتصال مسیر زرخش، کندروی به طول ۶۵ متر احداث شده و امکان ایجاد پیاده روی، فضای سبز و دسترسی ایمن برای معابر فرعی فراهم آمده است. همچنین حدود هشتاد درصد تملکات حاشیه بزرگراه تعیین تکلیف شده است.

برجسته نژاد تأکید کرد: اجرای این طرح علاوه بر افزایش ایمنی تردد و حذف نقاط حادثه خیز، در هدایت سیلاب های سطحی، کاهش خسارات احتمالی برای ساکنان اطراف مسیر و بهبود دسترسی املاک حاشیه بزرگراه نقش مهمی دارد.



شهردار منطقه ۱۰ مشهد از اجرای مجموعه ای از پروژه های عمرانی، ترافیکی و خدمات شهری در محور بزرگراه پیامبر اعظم (ص) خبر داد

ایمن سازی
پرترددترین
بزرگراه مشهد

چهارراه چهل و پنج متری مسجد می خواست



امام جماعت محله روایت می کند که وقتی به رضاشهر می آید، متوجه می شود تنها مسجد موجود به نام مسجد المهدی (عج) برای مردم دور است. حجت الاسلام بروجردی تعریف می کند: فاز ۳ رضاشهر هنوز خاکی بود. خیابان پیروزی معروف به «چهارراه چهل و پنج متری» هنوز ساخته نشده بود و تقریباً همه جا خاکی بود. به دنبال نیاز مردم به مسجد، سال ۵۸ در خواست کتبی، خطاب به تولیت وقت آستان قدس رضوی، مرحوم طبسی نوشتیم که خوشبختانه موافقت کردند و هزار متر زمین در اختیار ما قرار گرفت. او ادامه می دهد: اینجآن قدر دور افتاده بود که در آن زمان، مردم آن راجز و مشهد نمی دانستند. مثلاً وقتی می خواستیم از محل سکونت پدرم که در هسته مرکزی بودند صحبت کنیم، می گفتیم: در مشهد هستند... وقتی زمین تعلق گرفت، شخصا خدمت حاج آقای طبسی رفتیم و درخواست کردم برای مراسم کلنگ زنی تشریف بیاورند. امام سیر نشد و به همین دلیل رفتیم خدمت ابوی و جمعی از اهالی، و با کمک ایشان کلنگ مسجد زده شد.

آغاز همدلی

پرنگ ترین خاطره ای که برای ساخت مسجد در ذهن امام جماعت باقی مانده، حضور حجت الاسلام والمسلمین قرآنی در این محله است. امام جماعت ظهر مسجد می گوید: با دعوت آقای قرآنی به مدرسه رضوی، جلسه ای در حضور ساکنان برگزار شد. حضور چهره هایی مثل ایشان برای مردم خیلی جذاب بود و طبیعتاً پای صحبت هایشان می نشستند. ابتدا نماز قرائت شد و حاج آقا در راستای ترغیب و تشویق مردم به ساخت مسجد صحبت کردند. آن زمان، برخی ساکنان این محدوده نگران بودند و فکر می کردند ساخت مسجدی دیگر، باعث ایجاد شورای مردمی جداگانه ای می شود و ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. ولی با صحبت های حاج آقا قرآنی، همه متقاعد شدند و در همان جلسه، بخشی از کمک های مردمی را جمع کردیم. حتی کسانی که کمی مخالف بودند، همراه شدند.

کسب موافقت مرحوم طبسی

اولین مالکان خانه های این محدوده، کارمندان آستان قدس رضوی بودند که در دهه ۵۰ خورشیدی زمین هایی را از این آستان در قطعات پانصد متری برای ساخت خانه تحویل گرفته بودند. یکی از این مالکان، با اقدام خود، کار ماندگاری انجام داد.

حاج آقا بروجردی ماجرا را توضیح می دهد: یکی از اهالی رضاشهر پانصد متر زمین داشت، ولی اقدام رسمی برای ثبت و تصرف آن انجام نداده بود. آن بنده خدا گفت این زمین را می دهد تا برای ساخت مسجد هزینه کنند. از آنجا که بیشتر زمین های این محدوده، آستانه بود، ناچار شدیم دوباره خدمت حاج آقای طبسی برویم و فرایند مالکیت زمین را پیگیری کنیم. برای این کار هم حاج آقا طبسی موافقت کردند و دستور دادند زمین از طرف هیئت امنای مسجد به شخص معتبری واگذار و مبلغ حاصل از فروش آن صرف ساخت و ساز شود. خاطر هست آن زمان افراد پرتلاشی از جمله مرحوم حاج آقا خادم پای کار مسجد بودند. رفته رفته هیئت امنای مسجد هم شکل گرفت و پانصد متر مربع زمین اهدایی به قیمت ۵۰۰ هزار تومان فروخته شد.



روایت شکل گیری مسجد رضوی در اواخر دهه ۵۰ به همت مردم

وقتی نیت رضاشهری ها مسجد ساخت

سمیرا شاهیان اسال های پایانی دهه ۵۰ محله رضاشهر، هنوز آن قدر توسعه پیدا نکرده بود که محله ای شناخته شده باشد. در «فاز ۳ رضاشهر»، که خیابان هایش هنوز خاکی و بدون امکانات بود، اهالی، یک نیاز بزرگ احساس می کردند. آن ها می خواستند در آن فضای باز که بیشتر زمین و تک و توک خانه های ویلایی بود، مسجدی برای خودشان داشته باشند که هر روز گلبانگ اذان از بلندگوهای آن بلند شود. مسجدی داشته باشند برای برگزاری تجمعات محلی که از آن بی بهره بودند. گرچه رسیدن به این خواسته برای محدوده ای که آبادانی نداشت آسان نبود. اهالی رضاشهر دلگرم به برخورداری از یک همسایه عالم و پیگیر بودند.

فرزند آیت... سید محمد رضا علم الهدی بروجردی از نسل سادات معروف به نوربخش، از سال ۵۴ در کنار آن ها سکونت داشت. همسایگی و سکونت که سرانجام خیر و برکت خودش را به جا گذاشت و خواسته مردم را برآورده کرد. سال ۱۳۵۸ مسجد رضوی به دست آیت... بروجردی و حجت الاسلام والمسلمین قرآنی کلنگ زنی شد و به این ترتیب، آن امر مردم با همدلی و مشارکت بنا کردند.

در گزارش پیش رو ما چرای شکل گیری مسجد رضوی را از زبان حجت الاسلام والمسلمین سید حسین علم الهدی بروجردی، امام جماعت و حاج آقا محمد باقر نوکاریزی، پدر شهیدی که کوچه مسجد به نام او است، می شنویم. دوفردی که هم از چهره های تأثیرگذار در این پروژه بودند و هم راویان گذشته هستند.

امازنده ترین خاطره ای که اومی گوید: مردم دل خوش مرتب کرده و هر کدام پارچه شغف مردم و همتی که این مسجد برپا شد، نم، شبستان موقت حاضر ش سال ها بعد، پس از ساخت شکل گیری این عبادتگاه جشن شرکت کردند.

یکی دیگر از قدیمی های ما که کوچه مسجد به نامش آمده است، درباره نخستین و خودمان زمین را گرفتیم. دادند.

حاج آقا محمد باقر روایت فعلی، از همان ابتدا همراه گرفت تا مرحله های بعدی

امروز مسجد بزرگ رضوی شهید بالحنی آرام و متواضع بسیاری را در خود دارد. می کردیم، من در بیمارستان بیمارستان هم، حاج آقا بر اود باره خانواده و فرزندان در بسیج محله حضور داش

امام جماعت فعلی اهمیت خاصی در امور فنی به مس قبله مسجد گوهر کرده و در کار ساخت بی

حاج آقا بروجردی می گوید نقش مهمی داشته اند. هر ساکن همین محله بودند و می آمد. اقامه نماز به عه نقش داشته اند.

حجت الاسلام بروجردی دقت داشت تا مسجد هم

شکل اولیه بنا از ابتدا همین است. دارای پایگاه بسیج، و آموزش قرآن و معارف به م

○ ● خاطرات کودکی در کتابخانه مسجد

وقت اذان ظهر است و جمعیت زیادی از بانوان در مسجد حضور دارند. یکی از بانوان نمازگزار می‌گوید: من از کودکی در این محله بوده‌ام و با این مسجد انس دارم. وقتی دبیرستانی شده بودم، برای مطالعه به کتابخانه مسجد می‌آمدم و اینجا درس‌هایم را می‌خواندم. برای من امکان خوبی بود، هم درس می‌خواندم و هم نماز اول وقت را از دست نمی‌دادم. تکتم قآنی ادامه می‌دهد: در آن زمان کتابخانه در طبقه بالا بود، ولی حالا در طبقه پایین قرار دارد. کتاب‌های زیادی داشت، ولی ما بیشتر برای درس‌ها و مطالعه خودمان از آن استفاده می‌کردیم. این مسجد محیط جذابی برایم دارد. برای همین گاهی با دخترم می‌آیم تا او هم با فضای اینجا انس بگیرد.

○ ● مشرف شدن نمازگزاران به حرم

غلامرضا کارخانه چی، یکی از نمازگزاران ثابت و عده صبح در مسجد رضوی است. او می‌گوید: در این مسجد، نمازهای صبح، ظهر و شب برگزار می‌شود و بعد از نماز، تفسیر قرآن داریم. همه می‌آیند و با هم قرآن می‌خوانیم. بچه‌ها و خانم‌ها هم شرکت می‌کنند. او با بیان اینکه برگزاری نماز صبح، بهترین فرصت است تا همه به این نماز وفادار بمانند، اضافه می‌کند: ویژگی خوب مسجد رضوی این است که نماز صبح در آن پررنگ است که به امامت حاج آقا زمانی برگزار می‌شود. مصطفی ضیایی، نمازگزار دیگر هم به اهمیت نماز صبح و فعالیت‌های مستمر مسجد اشاره و بیان می‌کند: بعد از نماز، بیشتر نمازگزاران برای زیارت به حرم مشرف می‌شوند. نمازگزاران اینجا با هم صمیمی هستند و فضای خوبی در مسجد حاکم است.

○ ● دگرگونی محله و رضایت از مسجد

محمد مهدی خسرو جردی به «بلال مسجد» معروف است. این موضوع را سایر نمازگزاران به شوخی درباره‌اش می‌گویند. او که گاهی مکی‌گری هم می‌کند، از روزهای قبل از ساخت مسجد خاطره دارد: «قبل از اینکه مسجد ساخته شود، نزدیک پیروزی ۶۰ زمین‌های گچ بود و ماشین‌های کمپرسی و تریلی‌های آمدمند و باری می‌بردند. بزرگان و اهالی خیلی زحمت کشیدند تا زمین‌ها از آن حالت در بیاید و مسجد ساخته شود. حالا ما استفاده می‌کنیم و خیلی راضی هستیم.»



○ ● جشن مسجدار شدن

به امام جماعت روایت می‌کند به قبل از ساخته شدن مسجد و شب‌های اعیای ماه رمضان در سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد. به مسجد شده بودند؛ چون زمین را که مهم‌ترین مسئله بود، در اختیار داشتند. خاطر هست ساکنان، زمین را به‌هایی آورده بودند تا روی خاک پهن کنند. شب‌های قدر سال ۶۰ عروسی خاک همین جا، قرآن به سر گرفتیم. شور و برای آبادانی مسجد خرج می‌کردند و صف نشدنی بود. جمعیت زیادی حضور پیدا کرده بودند و اولین نمازی که در از عید فطر بود که توفیق اقامه‌اش را داشتیم. هیچ سقف و دیواری وجود نداشت. اما مردم با شور و شعف در همان بودند.

و توسعه با هزینه تقریبی ۲ میلیون تومان، جشن سپاس و مراسم «مسجدار شدن» برگزار شد تا از کسانی که در مردمی زحمت کشیدند، قدر دانی شود. حاج آقا برو جردی بیان می‌کند: مردم، بزرگان و هیئت‌مانا، همه در این بزرگانی مانند مرحوم آیت‌... عبادی، امام جمعه وقت مشهد و سایر علما، اعتبار مسجد و انگیزه‌های را بیشتر کرد.

○ ● همت بلند مردم

مسجد رضوی، حاج محمد باقر نوکاریزی است. او از ساکنان قدیمی محله و پدر شهید محسن نوکاریزی است. او که بیش از نیم قرن در محله رضاشهر زندگی می‌کند و شاهد همه مراحل ساخت و فعالیت مسجد در روزهای شکل‌گیری این مکان مقدس می‌گوید: اگر اشتباه نکنم ما از سال ۱۳۵۱ به این محله آمدیم و خانه ساختیم. چون مسجد المهدی (ع) خیلی دور بود، چند نفر از اهالی پیشنهاد ساخت مسجد را



می‌کند که از همان اوایل شکل‌گیری مسجد، مردم کمک می‌کردند: «حاج آقا برو جردی، امام جماعت مردم بود. در جمع‌آوری کمک‌های مردمی هم خیلی همت کرد. بعد از آن هم هیئت امنایی شکل می‌گرفت و تأمین هزینه‌ها درست جلو برد.»

○ ● شهدای مسجد، میراث زمانه

همچنان مرکز زندگی در محله است. در جوار مسجد، بازار محلی قدیمی، جریان کار و زندگی رانشان می‌دهد. پدر نعلبانه می‌گوید: همه ما یاد گرفته‌ایم که در دیوار مسجد مقدس است، به ویژه اینجا که خاطرات نسل‌ها و شهدای حاج آقا توضیح می‌دهد که خود او و دیگر اهالی، سهمی در جمع‌آوری کمک‌ها داشتند: «مثل همه مردم، ماهم کمک‌مان هفده شهریور، مسئول امور عمومی و خدمات بودم، اما همیشه دغدغه مسجد را هم داشتیم. در انجمن اسلامی و جردی‌رامی دیدیم و در جریان امور قرار می‌گرفتیم. ایشان چند سال اقامه نماز ظهر آنجا را به عهده داشتند.» ش می‌گوید: ماشش فرزند داریم، سه دختر و سه پسر. یکی از پسرانم در جنگ شهید شد و دیگری هم جانباز هردو شدند. تعداد زیادی از شهدای محله، از خانواده ما و دیگر اهالی، از همین مسجد به جبهه اعزام شدند.

○ ● طراحی قبله مستقیم

به مامی‌گوید که موضوع قبله و طراحی معماری مسجد برای همه اهالی از همان ابتدا که کلنگ مسجد زده شد، داشته است. او می‌گوید: دو مهندس به نام‌های موسوی نیک و ده‌شیری، هر دو از کارکنان آستان قدس و فعال در جلد آمدند. آن‌ها می‌خواستند قبله را به‌طور مستقیم طراحی کنند. به‌شکلی که انحراف نداشته باشد. درست مثل شاد که شیخ بهایی طراحی کرده بود. این دقت و وسواس مهندس‌ها باعث شد مردم اعتماد بیشتری به پروژه پیدا کنند و مشارکت کنند.

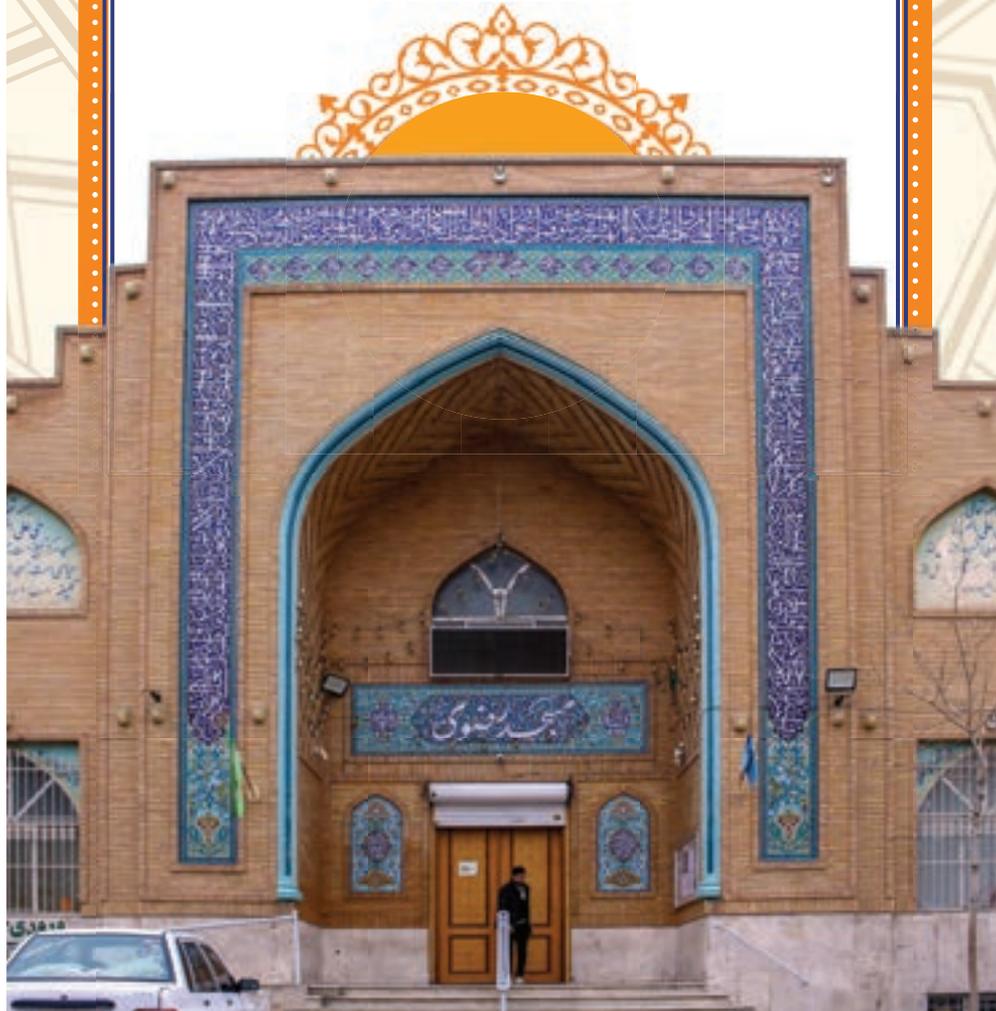
○ ● کمک بزرگان و نقش معماران

طی سال‌ها، افرادی چون مرحوم حاج علی‌علیپور و حاج مختار علیپور در به پایان رساندن پروژه ساخت مسجد همچنین مرحوم حاج آقا خادم، حضور مؤثری در شکل‌گیری و توسعه مسجد داشت. مرحوم علامه خسروی هم که تألیفات علمی زیادی داشت، در منبر و آموزش احکام به مردم حضور فعالی داشت و گاهی که برای بنده سفر پیش می‌رفت، در ساخت مسجد رضوی که یکی از مساجد زیبا و کاشی‌کاری شده مشهد است، مهندس‌سان و معمارانی

ضافه می‌کند: مرحوم حاج آقا عدالتیان در زمان ساخت این‌جا، روی جزئیات زیباسازی و کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها از نظر فنی و هم از نظر زیبایی‌شناسی به چشم بیاید.

○ ● کمک بزرگان و نقش معماران

بوده، ولی از سال ۱۳۶۰ تا کنون دوبار بازسازی شده است. امروز مسجد علاوه بر اقامه نماز جماعت که کارکرد اصلی اش کتابخانه و کانون فرهنگی است. کتابخانه آن حدود دو بیست جلد کتاب دارد و دانش‌آموزان و نوجوانان برای مطالعه مسجد می‌آیند. کانون فرهنگی نیز در صدد احیای تاشور و فعالیت گذشته نوجوانان دوباره در آن برقرار شود.



ملیکا عبداللهی و مادرش، تاکنون ۳ کتاب درباره جشن های ایرانی برای کودکان منتشر کرده اند

فرهنگ قدیم در دامن نسل جدید



راه تجربه

فهیمة شهری داشت در فضای مجازی می چرخید که فستیوال جشن آب در ارمنستان توجهش را جلب کرد. از این مراسم خوشش آمده بود و با خودش می گفت چرا مادر ایران، چنین برنامه هایی نداریم. ذهن ملیکا این قدر درگیر این موضوع بود که موجب شد جست و جویهای اینترنتی را ادامه دهد. او فهمید در ایران باستان، جشن زیبایی «آب پاشونک» برپای شده اما امروزه تا حد زیادی به فراموشی سپرده شده است. این نوجوان محله فرهنگیان تصمیم گرفت درباره این رسم یک داستان کودکان بنویسد و آن را تبدیل به کتاب کند تا افراد بیشتری با این آیین قدیمی آشنا شوند. حاصل آن شده است کتابی با نام «جشن آب پاشونک» که امسال به چاپ رسید. طراحی ها و کارهای گرافیکی کتاب های او را مادرش اسما برومند انجام می دهد. ملیکا عبداللهی شانزده ساله تاکنون با کمک مادرش سه کتاب به چاپ رسانده است.



بعد که بیشتر جست و جو کردم، دیدم مادر ایران باستان، جشن آب پاشونک را داشته ایم که به منظور شکرگزاری انجام می شده است اما الان کمتر کسی از آن اطلاع دارد. خودم و مادرم هم از آن اطلاع نداشته ایم.

او تعریف می کند: آن موقع پسر خاله من شش هفت ساله بود و بین آداب و رسوم مختلف، فقط درباره عید نوروز و جشن یلدا مطالب مختصری می دانست که البته آن هم خیلی کم بود. برای همین تصمیم گرفتم داستانی کودکانه درباره جشن آب پاشونک بنویسم تا بچه ها را با این رسم زیبای قدیم آشنا کنم.

کرد و گفت «حالا که متن به این خوبی نوشتی، بیایم مطالب آن، نقاشی کنیم تا جذاب تر شود.»

اسما برومند، مادر ملیکا، در رشته گرافیک تحصیل کرده است و با این اطلاعات، شروع به صفحه آرایی و طراحی داستان دخترش کرد. مادر این کار را با هدف تشویق او به نویسندگی انجام داد و خیلی خوب به هدش رسید، به طوری که بعد از این، دغدغه چاپ کتاب در ذهن ملیکا به وجود آمد.

ملیکا ادامه می دهد: کلاس نهم که بودم، در فضای مجازی، عکس های فستیوال جشن آب در ارمنستان، توجهم را جلب کرد.

در جست و جوی یک رسم باستانی

ملیکا و مادرش یک تیم دو نفره هستند. ملیکا می نویسد و مادرش طراحی می کند. نوشتن برای ملیکا از زنگ انشا شروع شد. او تعریف می کند: همیشه زنگ انشا را دوست داشتم و انشا هایم چند صفحه می شد. کلاس ششم دبستان بودم که معلممان گفته بود انشایی با موضوع زمستان و عید نوروز بنویسیم. این بار هم مثل دفعات قبل متنم طولانی شد و اسمش را هم گذاشتم «عمو نوروز، سین هفتم کجاست؟». وقتی آن را برای مادرم خواندم، خیلی تشویقم

تقویت خودباوری در کودکان

مادر ملیکا حدود شش سال است که در مقطع ابتدایی تدریس می کند. او کتاب ها و داستان های دخترش را در کلاس برای دانش آموزان خودش می خواند. این معلم تعریف می کند: وقتی بچه ها متوجه می شوند این کتاب ها را یک نوجوان نوشته خیلی برایشان جالب است و خودشان را بیشتر باور می کنند.

او می گوید: دو سال است که از دانش آموزانم می خواهم داستان بنویسند و با موضوع آن ها نقاشی بکشند. بعد هم داستان های برتر را در کتابخانه مدرسه می گذاریم تا بقیه بچه ها ببینند. به گفته او این رویکرد باعث شده است خیلی از بچه ها نسبت به نویسندگی علاقه مند و استعدادشان هویدا شود. او تعریف می کند: در این مدت، موارد متعددی بوده است که به عنوان مثال مادری آمده و به من گفته اصلا فکر نمی کرده فرزندش در زمینه نویسندگی و نقاشی استعداد داشته باشد اما حالا وارد این عرصه شده است.

پرت شدن به گذشته

مادر ملیکا از این ایده خیلی استقبال کرد و با اشتیاق تمام به خلق تصاویر داستان پرداخت. وقتی آن را برای چاپ به انتشارات خاتم بردند، آنجا هم مورد استقبال قرار گرفت. اسما برومند تعریف می کند: هنگامی که مدیر انتشارات داستان را خواند، خیلی از آن خوشش آمد و گفت که احساس می کند به گذشته پرت شده است. این جمله برای من و ملیکا خیلی لذت بخش بود و احساس کردیم به هدفمان رسیده و توانسته ایم خواننده را با گذشته پیوند بزنیم. ملیکا کلاس هشتم که بود، تصمیم گرفت کتابی درباره جشن یلدا بنویسد. او می گوید: با بچه های کوچک تر یا هم سن و سال خودم که صحبت می کردم، می دیدم درباره این رسم هم اطلاعات چندانی ندارند: به همین دلیل آن را به عنوان موضوع یکی از داستان هایم انتخاب کردم. ملیکا با یاد پسر خاله اش می کند و می گوید: وقتی او داستان هایم را می خواند و مطالب آن توجهش را جلب می کرد، خوشحال می شدم و احساس می کردم توانسته ام توجه بچه ها را به آداب و رسوم و فرهنگ قدیم جلب کنم. این داستان و دو داستان دیگر ملیکا تا باستان امسال چاپ شد و مادر بزرگش اولین کتاب را از او خرید.

پلی به سمت موجودات جهش یافته

ملیکا اکنون دوست دارد قلمش را به سمت داستان های تخیلی ببرد. او می گوید: از وقتی وارد سن نوجوانی شدم، ترجیح می دهم برای نوجوانان داستان های تخیلی بنویسم. دو داستان هم در دست نوشتن دارم که یکی از آن ها برگرفته از بازی های کامپیوتری و درباره پسری است که روی ریل قطار حرکت می کند و داستان دیگرم درباره حیوانات جهش یافته است.

این ایده در زنگ فیزیک به ذهنش رسیده است. او در حالی که می خندد، تعریف می کند: سردرس فیزیک، استاد یک پل کشیده بود: همان جا ذهن من به سمت خیال پردازی رفت و با خودم گفتم اگر آن طرف پل حیوانات جهش یافته باشند و پل بشکند و حیوانات به این سمت بیایند، چه داستان های جالبی می تواند رقم بخورد.

ملیکا تصمیم دارد کتاب های بعدی اش را دوزبانه بنویسد: همچنین ایده فیلم نامه نویسی را در سر دارد. دغدغه دیگری که این روزها ذهنش را مشغول کرده جشن ولنتاین است. او دوست دارد معادل ایرانی این جشن را به همگان معرفی کند و در این راستا دنبال کسب اطلاعات درباره جشن هایی همچون سپندارمذگان است.



پسران مدرسه مفاخر برای عید نوروز، گل قلمه می‌زنند

سین سبزه با بچه‌هاست



مکان نما

که آمد خانه مان، خیلی از آن خوشش آمد. چون نزدیک تولدش بود، همان رابه عنوان هدیه به او دادم. هنوز هم در اتاقش است.

● پناه بردن از کلاس‌های خشک به گلخانه سبزی

مدیر مدرسه توضیح می‌دهد: سه سال پیش، این فضا را برای درس علوم مهیا کردیم. دانش‌آموزان لوبیاهای کاشته شده خود را در اینجا آبیاری می‌کردند تا رشد کنند. ولی آن قدر برای حضور در این فضا اشتیاق داشتند که اقدامات متعددی در آن انجام شد تا راحت‌تر بتوانند در این فضا حضور پیدا کنند.

حین گفت‌وگویمان، زنگ تفریح دانش‌آموزان تمام می‌شود و به کلاس‌های درس می‌روند و دقایقی بعد، تعدادی از دانش‌آموزان همراه معلم زبان انگلیسی وارد گلخانه می‌شوند. معلم در فضای گلخانه به آموزش درس به دانش‌آموزان می‌پردازد.

رضوی می‌گوید: برای اینکه فضای کلاس‌های درسی خشک و خسته‌کننده نباشد، بعضی کلاس‌ها را اینجا برگزار می‌کنیم. برای مثال جشن آب بچه‌های کلاس اول، آزمایش‌های درس علوم، کارگاه‌های دروس مختلف، تمرین گروه‌سرود و موارد این‌چنینی، همه در گلخانه برگزار می‌شود.

به گفته او علاوه بر گیاهانی که خود بچه‌ها آن‌ها را می‌کارند، تعدادی گل‌دان در گلخانه نگهداری می‌شود که به مهمانان هدیه داده می‌شود. به عنوان مثال وقتی آتش‌نشانان، پلیس‌ها... به مدرسه می‌آیند، گل‌دان‌هایی که در گلخانه رشد یافته و توسط بچه‌ها آبیاری شده است، به آن‌ها اهدا می‌شود.

می‌گوید: مادرم گفته است امسال سبزه نمی‌خرد. من باید مواظب گل‌دانم باشم تا موقع عید حسابی سبزه و شاداب باشد.

● یک هدیه تولد ریشه‌دار

مجتبی جوانمرد، یک مشت لوبیا در دست دارد که می‌خواهد آن‌ها را بکارد. او می‌گوید: پارسال هم کاشتم، سبزه شد و لوبیا هم داد. امسال هم می‌خواهم دوباره بکارم. اولش سبزه است و سر سفره هفت سین می‌گذارم؛ بعدش هم که بزرگ شود، لوبیا هایش را در غذا می‌ریزیم. قلمه حمید رضا کریمی رویه زرد شدن است. او با عجله می‌خواهد یک قلمه دیگر بکارد تا به قول خودش مبادا از بقیه دوستانش عقب بماند. مدام هم از مربی‌اش می‌خواهد به نحوه قلمه زدنش نظارت کند تا این بار سبزه شود.

او می‌گوید: پارسال گل‌دانم خیلی خوشگل شده بود. پسر خاله‌ام

فهیمه شهری‌ارنشیاساقه را گرفته است تا وحید آن را قلمه بزند. مربی به آن‌ها آموزش می‌دهد که این کار باید چطور انجام شود. سینتاساقه‌ای را که چند روز پیش قلمه زده است، در دست گرفته و به دوستانش نشان می‌دهد که چطور شاداب و سرسبز است. امیر لوبیا آورده است و می‌خواهد آن‌ها را بکارد. اینجا گلخانه مدرسه مفاخر در محله گل‌دیس است: فضایی سی‌متری در حیاط مدرسه که اتفاقات سبزی در آن رقم می‌خورد و حالا با نزدیک شدن به ایام نوروز، حال و هوای بهارانه گرفته است.

● گل‌دان به جای سبزه گندم

دانش‌آموزان مدرسه مفاخر این روزها فتراز درس، دغدغه‌های سبزه و پرتراوتی دارند: آن‌ها مدام به گلخانه مدرسه می‌روند، از گل‌دان‌هایی که در گلخانه است، قلمه می‌زنند. آن‌را می‌کارند و خودشان آب می‌دهند. هر روز در زنگ تفریح از گل‌دان‌هایشان خبر می‌گیرند و چشم می‌کشند تا قد بکشد. چون قرار است همین گل‌دان‌های کوچک را برای عید نوروز به عنوان سبزه، سر سفره هفت سین به خانه‌هایشان ببرند.

علیرضا رضوی، مدیر مدرسه مفاخر، می‌گوید: چون درست کردن سبزه با گندم و در نهایت دور انداختن آن، نوعی اسراف است، تعدادی گل‌دان آورده ایم تا بچه‌ها از آن‌ها خودشان قلمه بزنند و گیاه سبزه و رشد یافته‌شان را به عنوان سبزه عید به خانه‌هایشان ببرند.

علیرضا شمس که دانش‌آموز پایه چهارم این مدرسه است، همین طوره که دارد گل‌دانش را در دستش می‌چرخاند تا مطمئن شود مشکلی ندارد.



مریم باخدا، قهرمان مسابقات کشوری کاراته از انگیزه‌هایش می‌گوید

الگویی به نام پدر

امید محله

مطالعه چطور است؟

عاشق کتاب‌های ورزشی هستم، به خصوص کتاب‌های انگیزشی که سرگذشت ورزشکارانی را تعریف می‌کند که از صفر شروع کرده‌اند و حالا برای خودشان اسطوره‌های ورزشی هستند. با خواندن این کتاب‌ها با خودم می‌گویم اگر این‌ها توانسته‌اند به جایی برسند، من هم می‌توانم. «۱۸ سال راه رفتن روی آب»، «بازده حلقه» و «کفش باز» از جمله این کتاب‌ها هستند.

● چه چیز تو را تا این حد، مشتاق حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنر جوهای تازه وارد هستم. از زمانی که کمر بند آبی می‌بستم، مربیگری را شروع کردم. استادم، مینا نجفی، خیلی به من روحیه می‌داد و این وظیفه را به من سپرد. به همین دلیل بمب‌روحیه هستم و در باشگاه احساس خوبی دارم.

● چرا برخی افراد فکر می‌کنند ورزش کاراته برای بانوان مناسب نیست؟

چون در کاراته ضربات سنگین و مستقیم به بدن وارد می‌شود، برخی تصور می‌کنند بدن خانم‌ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب‌های جدی به آن‌ها می‌شود.

● نظر خودت چیست؟

کاراته در خانم‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و به رغم ظاهر خشن این ورزش، جوانمردی، ادب، نظم و احترام به بزرگ‌تر را به آن‌ها می‌آموزد.

در سبک کیوکوشین کاراته و یک بار هم سال ۱۴۰۳ در سبک کن‌شین‌کان کاراته. پنج بار هم مقام قهرمانی استان را به دست آورده‌ام که آن‌ها هم در سبک‌های متفاوت رزمی بوده‌است.

● الگوی تو در زندگی کیست؟

پدرم. او راننده جاده و ماشین‌سنگین است؛ البته ورزش کوه‌نوردی هم می‌کند و هر ماه با هم یکی دو بار به کوه می‌رویم. از او بیشتر استقامت و تلاش زیاد را آموخته‌ام.

● ارتباطات با کتاب و

رضا ریاحی‌اگاهی قهرمانی‌ها از جایی شروع می‌شود که هیچ‌کس فکرت را هم نمی‌کند. از دل یک اتاق کوچک و بالشی که نقش کیسه بوکس را بازی می‌کند. مریم باخدا از همان کودکی نشان داد که قرار است مسیر متفاوتی را انتخاب کند. او از کودکی با مشت‌های کوچک اما پرتازشی‌اش رؤیاهای بزرگی را تمرین می‌کرد. حالا همان دختر پرشور محله خاتم‌الانبیاء که چهارده سال دارد، چند بار بر سکوی قهرمانی کاراته ایران و استان ایستاده است و به قول مربی و دوستانش، آینده درخشانی دارد.

● از کی فهمیدی به کاراته علاقه داری؟

از نه سالگی، همان روزهایی که بالش اتاقم را کیسه بوکس کرده بودم! (با خنده) واقعا از بچگی حس می‌کردم وقتی مشت می‌زنم یا تمرین می‌کنم، خوشحال‌تر و قوی‌تر هستم. برای همین پدر و مادرم حریفم نشدند و من را در باشگاه کاراته در بولوار توس ثبت‌نام کردند.

● تاکنون چه مقام‌هایی کسب کرده‌ای؟

دو بار قهرمان ایران شده‌ام، یک بار سال ۱۴۰۲





در نشست شورای اجتماعی محله نیروی هوایی مطرح شد

کمک به اقتصاد مسجد امیرالمؤمنین (ع)



ریاحی تازه‌ترین نشست شورای اجتماعی محله نیروی هوایی با حضور اعضای شورا و امام جماعت مسجد امیرالمؤمنین (ع) در محل این مسجد برگزار شد. اعضا در این جلسه، موضوعات مختلف فرهنگی و عمرانی را مطرح کردند که بررسی مشکلات و مطالبات مردمی با محوریت مسجد امام حسن مجتبی (ع) و درخواست ساخت مغازه به منظور تأمین منابع پایدار برای مسجد امیرالمؤمنین (ع) از جمله آن‌ها بود. بازسازی و مرمت پیاپی روو آسفالت انتهای لاله ۱۴ و اطراف مسجد امیرالمؤمنین (ع) از دیگر موضوعاتی بود که در این نشست درباره آن بحث و تبادل نظر شد. همچنین در این برنامه از پیگیری مستمر اعضای شورای اجتماعی محله نیروی هوایی برای جانمایی ایستگاه اتوبوس در حدفاصل خیابان نوزده بهمن ۷ و ۵ قدردانی شد.

با اقدام اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۱۰ و پیگیری های شهرآرامحله انجام شد

ترمیم آسفالت زخمی شریعتی ۷۳



ریاحی بعد از یک ماه انتظار، شرکت آب و فاضلاب برای آسفالت خیابان شریعتی ۷۳ که پیش‌تر برای اجرای پروژه‌های خدمات رسان، کنده‌کاری کرده بود، اقدام کرد. این معبر بیش از یک ماه آسفالت درست و حسابی نداشت و همین موضوع حسابی توی ذوق عابریان، کاسبان و اهالی محله می‌زد. اول بهمن بود که این موضوع را در شهرآرامحله منتشر کردیم. در آن گزارش سعید میرسعیدی، معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ گفت که برای بار دوم، نامه اخطار به شرکت آب و فاضلاب ارسال می‌کند و قول داد که پیگیر آسفالت این معبر خواهد شد؛ قولی که در حد حرف نماند و یک ماه بعد از انتشار این گزارش، لکه‌گیری آسفالت معبر شریعتی ۷۳ انجام شد. رضا میرزایی که از کسبه خیابان شریعتی ۷۳ است، در این باره به شهرآرامحله می‌گوید: خدا را شکر آسفالت کوچه مان سرو سامان گرفت. در این معبر چند مدرسه و وجود دارد و مسیر حرکت خودروهایی فراوانی است که به جلوبندی آن‌ها آسیب می‌رساند. ضمن اینکه من چند بار شاهد زمین خوردن بچه‌ها بودم و چرخه بوده‌ام که از زمان مرمت آسفالت دیگر تکرار نشده است.

با پیگیری شهرآرامحله و اقدام سریع شهرداری منطقه ۱۰، آسفالت تقاطع بولوارهای دکتر حسابی و امامیه مرمت شد

خلاص شدن اهالی از چاله‌های مسیر!



ریاحی امید نیکزاد، یکی از مخاطبان کانال شهرآرامحله، با ارسال تصویری، از وضعیت نامناسب آسفالت تقاطع بولوارهای دکتر حسابی و امامیه گلایه کرد و گفت: در این تقاطع، چند وقت پیش، حفاری اتفاق افتاده و کنده‌کاری‌های آن به طور کامل رفع نشده است. هر بار که داخل این چاله‌های ما می‌افتیم، فاتحه جلوبندی ماشین‌های ما خوانده می‌شود. لطفاً سری به محل بزنید و ببینید که ترافیک این مسیر از قاسم آباد چقدر زیاد است.

به دنبال این پیام مردمی، موضوع را بلافاصله با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ در میان گذاشتیم. سعید میرسعیدی پیش از بررسی‌های میدانی عنوان کرد که این چاله‌ها مربوط به حفاری اداره گاز است و در صورتی که تا سه روز دیگر برای مرمت آسفالت کاری انجام نشود، شهرداری برای لکه‌گیری و پرکردن این چاله‌ها، اقدام خواهد کرد.

و عده میرسعیدی در حد حرف نماند و آسفالت تقاطع بولوارهای دکتر حسابی و امامیه تنها بعد از گذشت دو روز مرمت و لکه‌گیری شد. نیکزاد در تماس مجدد با شهرآرامحله، ضمن تشکر از اقدام سریع شهرداری، خواستار این شد که مدیران شهرداری نظارت مستمر بر آسفالت معابر شهری و ناهمواری‌های آن داشته باشند.



سلام
این وضعیت آسفالت دریاچه چهار راه امامیه و
دکتر حسابی هست
منون میثم پیگیری کنید برای تعمیر یا
ترمیمش واقعا جلوبندی ماشینای ما اهالی
محل داغون شده تو این اوضاع اقتصادی
با تشکر